



## شهید بهشتی و تحول‌خواهی برای حوزه‌های علمیه

امیرحسین سلیمانیان - پژوهشگر مهمان

حوزه‌های علمیه را تا حد امکان شناسایی کند، سامان دهد و از چالش‌های پیش‌روی آن بکاهد.

در اینجا قصد داریم به بهانه سالگرد اندیشمند مظلوم، آیت‌الله شهید دکتر بهشتی (ره) به آرا، اندیشه‌ها و اقدامات این شهید بزرگ در راستای برطرف‌سازی مشکلات و نقاط ضعف حوزه‌های علمیه برای بالا بردن بهره‌وری و خروجی حوزه‌ها پردازیم و اندیشه‌های ایشان را در سه مبحث نظام آموزشی، مسئله اقتصادی حوزه و تعاملات حوزه با مردم، مورد بررسی قرار بدهیم.

### ۱. تحول‌خواهی در نظام آموزشی

#### ۱.۱. تربیت‌برای بحث‌های نوین اجتماعی

یکی از مواردی که ما همچنان می‌توانیم

سیاست و مبارزه نیز باشد. (حسینی بهشتی، ۱۳۹۷: ۳۰۲)

اما این، واپسین و تنها پیام و تلاش ایشان برای رساندن روحانیت و حوزه به حالتی مطلوب و تراز نبود، نصیحت‌ها و اندرزهایی که از دل‌واپسی‌ها، دل‌مشغولی‌ها و احساس مسئولیت‌های گرانقدر در قبال حوزه‌های علمیه پرده برمی‌دارد. نگرانی‌هایی که نشأت گرفته از توجه به خروجی‌های ضعیف حوزه‌های علمیه و بی‌توجهی روحانیون نسبت به مشکلات بود. از اوایل دوران تحصیل در حوزه، هویدا بود که او طلبه‌ای متفاوت و نواندیش است، با حفظ همان تفاوت در اندیشیدن و نوع نگاه نسبت به مسائل، در تاریخ ایران اسلامی، جاودان گشته و با همان ژرف‌اندیشی و خردورزی کوشید تا عیوب و معضلات

### مقدمه

همچنان در ذهن تاریخ، نگرانی‌هایش، توصیه‌ها و توصیف‌هایش از روحانیت و روحانی، از طبلمگی و طلبه و از حوزه‌های علمیه حک شده است، آن‌چنان که در نوشته‌هایش، روحانیت مطلوب و ارزنده را معرفی می‌کند و داشتن ویژگی‌های آن را مورد توصیه قرار می‌دهد: «روحانی باید پیش‌تاز و پیشگام در مبارزات سیاسی گسترده، نیرومند، همراه با زد و خورد و کشته شدن و کشتن باشد تا یک روحانی تمام عیار باشد. علی‌وار، حسین‌گونه، پیام‌روار باشد. مگر نه اینکه روحانی می‌گوید من جانشین پیامبرم؟ مگر نه اینکه می‌گوید من نایب امام زمان سلام‌الله‌علیه هستم؟ پس چگونه می‌تواند خود را از مسئولیت‌های سنگین سیاسی و مبارزاتی برکنار بداند؟ روحانی باید مرد

آن را از مشکلات مهم حوزه‌های علمیه به حساب بیاوریم، نبود مهارت مباحثه و توانایی استقامت در مقابل بحث‌های نوین و به‌روز اجتماعی است، مسئله‌ای که نه تنها به پیکره خود حوزه علمیه بلکه به جامعه نیز آسیب خواهد زد؛ زیرا امری طبیعی و بدیهی است که یکی از اقسام مهم و تأثیرگذار در پیشبرد مفاهیم و آموزه‌های اجتماعی اسلام و مقابله با آموزه‌های الحادی و دیگر مفاهیم انحرافی و نادرست، طلاب بوده و هستند. از دیگر سو، مسئله دیگری که همواره گریبان‌گیر طلاب حوزه‌های علمیه بوده است؛ انزوای نسبی نسبت به جامعه می‌باشد که از طرف اندیشمندان بزرگی مانند شهید بهشتی، شهید مطهری، امام موسی صدر و بسیاری دیگر نفی شده است و سعی بر آن شده تا طلاب همواره با حضوری همیشگی شانه به شانه عوام‌الناس زندگی کنند.

برای برون‌رفت از مشکلات بیان شده، بهترین ایده، تأسیس مدرسه‌ای به سبک و سیاق مدرسه حقانی است. مدرسه حقانی به همت شهید مظلوم و با هدف تربیت طلاب جوان برای بحث‌های نوین اجتماعی تأسیس شد. شهید بهشتی، مسئولیت مدرسه را به آیت‌الله قدوسی سپرد. آیت‌الله میلانی به مدرسه حقانی که با مدیریت شهید بهشتی و آیت‌الله قدوسی اداره می‌شد، توجه ویژه‌ای داشت و بخشی از بودجه مدرسه را تأمین می‌کرد. به همت شهید بهشتی، روش‌های نوینی در پذیرش طلاب، تدریس متون درسی، نحوه مدیریت، تدوین مطالب درسی و... در این مدرسه اجرا شد. شهید بهشتی پس از بازگشت از آلمان در سال ۱۳۴۹ نیز همکاری با مدرسه حقانی را ادامه داد. (مهدوی، ۱۳۹۵: ۱۳۰)

با برنامه ۱۷ ساله‌ای که توسط مرحوم شهید دکتر بهشتی (ره) تدوین گشت؛ سعی بر آن بود که طلاب، توانایی برخورد با حوادث و بحث‌های روز اجتماعی را داشته

باشند و همچنین جایگاه پررنگ خود را در تأثیرگذاری اجتماعی حفظ کنند؛ در ادامه نیز مدرسه حقانی، منشأ فعالیت‌های بسیاری شد و فضایی مبارز و فضایی محقق‌ی را تربیت کرد که همه مشغول کار و فعالیت در نقاط مختلف کشور هستند. (بنیاد نشر آثار و اندیشه‌های آیت‌الله دکتر بهشتی، ۱۳۸۰: ۱۶)

### ۱،۲. به استقبال نقد و بررسی آرا مورد توجه در جامعه

مشکل دیگری که شاهد وجود آن در حوزه‌های علمیه می‌باشیم؛ عدم رغبت نسبت به برخورد با آرا جدی مطرح شده در جامعه است، به این شکل که طلاب علاقه‌ای به نقد و بررسی چه اندیشه و آرای مطرح شده و چه شخص مطرح‌کننده ندارند؛ در همین حال یکی از نقاط قوت مدرسه حقانی، برخورد با چنین مسائلی بود؛ به عنوان مثال یکی از شاخص‌ترین افراد که آرای متفاوتی را بیان کرده بود و همچنین مورد استقبال بخش عظیمی از جوانان قرار گرفته بود مرحوم دکتر شریعتی است، در آن زمان برخلاف عدم تمایلی که نسبت به چنین مسائلی از دید حوزه و طلاب، دیده می‌شد در مدرسه حقانی یکی از مورد بحث‌ترین مسائل به‌شمار می‌رفت، به شکلی که در کلاس‌های درس، مرحوم آیت‌الله مصباح به نقد آثار دکتر شریعتی پرداخته بود و شهید بهشتی نیز دیدگاه ایشان را نسبت به دکتر شریعتی مورد نقد قرار داد؛ با وجود صراحت در نقد نظرات آقای مصباح، توصیه فراوان به حفظ حرمت ایشان به‌عنوان مدرس دلسوز و تلاشگر شده است تا مبادا فضای سالم برای گفت‌وگو و مناظره علمی به‌عصبیت و هوای نفس آلوده گردد. (حسینی بهشتی، ۱۳۹۰: ۱۱)

این استقبال نسبت به آرا و اشخاص، آن‌چنان در وجود دکتر بهشتی وجود داشت که حتی بعدها نیز سخنرانی مفصلی در

تاریخ ۲۹ خرداد سال ۱۳۵۹ در دانشکده نفت شهر آبادان ایراد کردند؛ صریح‌ترین سخن ایشان در این باره در کتاب «دکتر شریعتی، جستجوگری در مسیر شدن» آمده است که شامل دیدگاه‌های ایشان درباره مرحوم شریعتی است. (بنیاد نشر آثار و اندیشه‌های آیت‌الله دکتر بهشتی، ۱۳۹۵: ۴۰۰)

البته باید این مورد را بازگو کرد که افراد دیگری نیز با نگاه تحول‌خواهانه به شکل دقیقی به استقبال چنین مسائلی می‌رفتند؛ به‌عنوان مثال استاد شهید آیت‌الله مطهری که با توجه به آگاهی خود، به نقد و بررسی اندیشه‌های مارکسیستی و الحادی پرداخت؛ در همین امر نیز شاهد نمود این مسئله در شخصیت علمی دکتر بهشتی هستیم، به‌صورتی که ایشان در مناظرات مختلفی حاضر می‌شدند و به نقد و بررسی اندیشه‌های مارکسیستی، دفاع و اعلام مواضع خود و حزب جمهوری اسلامی مبتنی بر اسلام ناب می‌پرداختند؛ به‌عنوان مثال می‌توان به مناظره‌های تلویزیونی اوایل انقلاب اشاره کرد. (مهدوی، ۱۳۹۵: ۲۷۶)

### ۱،۳. ضرورت یادگیری علوم اجتماعی و انسانی جدید به‌منظور شناخت موضوع

در وضعیت فعلی یکی از انتقاداتی که چه مردمان عادی و چه متخصصان در هر رشته آن را متوجه حوزه علمیه می‌کنند عدم شناخت فقها و علما نسبت به علوم و مسائل مطرح شده جدید و نوظهور می‌باشد و پس از آن این مطلب را بازگو می‌کنند که بدون شناخت یک مسئله، فقیه نمی‌تواند درباره آن حکمی صادر کند زیرا این حکم به علت نبود شناخت کامل، می‌تواند منجر به خسارات هنگفتی در هر عرصه شود. از این رو در زمانی که شهید بهشتی (ره) با هم‌فکرانش به اداره و برنامه‌ریزی مدرسه منتظریه‌الشمس (که بعدها به نام بانی آن به مدرسه حقانی شهرت یافت) می‌پرداخت،

مشاهده می‌شود همچنان در حال گسترش است؛ انفعالی که منجر به خسارات اجتماعی، اقتصادی، معیشتی و حتی اعتقادی می‌شود.

### ۲،۱. برو کار کن، مگو چیست کار

معضل و مشکلی که عالمان معاصر همچون شهیدان بهشتی و مطهری پیش از انقلاب نیز سعی در ارائه راه‌حل و نقد آن داشتند؛ نحوه ارتزاق طلاب و همچنین شیوه و حدود کار خارج از محیط حوزه توسط طلاب بوده و حتی هم‌اکنون نیز انتقادات زیادی به شکل معیشتی طلاب و وضعیت اقتصادی آنان وارد است که سعی داریم تعداد کمی از مشکلات را به شکل ریزتر و جزئی‌تر بررسی کنیم. در ابتدا لازم است دو مسئله ارتزاق اهل علم و همچنین قرار دادن روحانیت، به‌عنوان وسیله امرار معاش را شفاف کنیم. اسلام در مسئله ارتزاق اهل علم دستور بالخصوصی ندارد؛ یعنی اسلام نگفته است که آن کسانی که عالم دینی هستند چون عالم دینی هستند از یک وظیفه

عمومی و یک واجبی که متوجه همه مردم است یعنی تلاش برای معاش معافند. این خود یک مسئله‌ای است که اولاً در اسلام بر هر کسی واجب است که برای معاش و زندگی خود کار کند. (مطهری، ۱۳۹۹، ج ۲۹: ۵۶۰) و همچنین در بحث قرار دادن روحانیت به‌عنوان وسیله معاش و درآمد نیز بر طبق تعالیم اسلام، روحانیت جنبه سمت و مقامی که در سایه آن روحانیون، امتیازات مادی کسب کنند یا حرفه‌ای که معاش خود قرار دهند ندارد. (حسینی بهشتی، ۱۳۹۵: ۵۵)

اما متأسفانه می‌توان دید بسیاری از روحانیون و طلاب، تلاش و یا حداقل رغبتی برای استقلال مالی و ایجاد برنامه‌ای برای مدیریت معیشت خود ندارند؛ متأسفانه بدتر از آن شاهد گسترش عقیده‌ای هستیم



شناخت بهترین راه برای تحقق بخشیدن به این تعالیم باشد.» (حسینی بهشتی، ۱۳۸۰: ۲۶)

این بدان معناست که برای اسلام‌شناس (فقیه یا غیر فقیه)، کسب شناخت صحیح از موضوعی که قرار است درباره آن حکمی صادر شود، ضروری است. آیت‌الله بهشتی، خود چنین پای‌بندی را داشت. از نمونه‌های آن، حضور و جست‌وجوی او در شرکت‌های بیمه برای درک چگونگی فعالیت‌های آن و حضور و بحث و گفت‌وگو در رصدخانه هامبورگ برای درک شیوه محاسبه اوقات شرعی و رابطه آن با محاسبات نجومی جدید است. (بنیاد نشر آثار و اندیشه‌های آیت‌الله دکتر بهشتی، ۱۳۹۵: ۲۳۱)

### ۲. تحول‌خواهی در نگرش مالی و معیشتی

متأسفانه شکلی دیگر از انفعال اجتماعی در کنار دیگر انفعالاتی که در بین طلاب

دعوت از اساتید دانشگاهی علوم اجتماعی و انسانی، به‌منظور تدریس برای طلاب علوم دینی صورت گرفت. همچنین، کلاس‌های شبانه در دبیرستان دین و دانش قم که مدیریت آن بر عهده آیت‌الله بهشتی بود، به‌منظور آشنایی فضایی حوزه با علوم جدید و زبان‌های خارجی تشکیل شد. پرسش این است که این همه تلاش برای درک علوم اجتماعی و انسانی جدید برای دانش‌آموزان و دانش‌آموختگان علوم دینی که عمدتاً با فقه، سروکار دارند به چه منظور انجام می‌شد؟ پاسخی مبسوط به این پرسش اساسی، فرصتی بسیار گسترده‌تر از نوشتار حاضر می‌طلبد، اما پاسخی خلاصه را می‌توان در این عبارت از «طرح کوششی نو در راه شناخت تحقیقی اسلام» یافت: «استفاده صحیح از فرآورده‌های علوم عقلی و علوم تجربی باید برای شناخت بهتر موضوعات و تعالیم اسلامی، به‌منظور

که با صراحت ابراز می‌دارد که روحانیون و طلاب نیازی به کار و کسب درآمدی مستقل ندارند زیرا اهل علم هستند و در مراتبی بدتر حتی کاری مستقل از روحانیت و حوزه را ننگ و پست می‌پندارند؛ در حالی که شهید بهشتی در طی دوران تحصیل در حوزه با تدریس زبان انگلیسی در دبیرستان‌های قم امرار معاش می‌کردند. (قاسمی، ۱۳۹۵: ۱۱۸)

### ۲.۲. ارتزاق از حوزه و مردم، ریش زیر تیغ

روحانی و طلبه‌ای که صرفاً از حوزه علمیه و مردم ارتزاق می‌کند در دو حالت دچار آسیب می‌شود: اول، همانطور که پیش‌تر با عنایت به کلام شهید مطهری از تغییر دید یک روحانی به علت نحوه مدیریت معیشتش سخن گفتیم، باید در نظر داشت که در چنین حالی، روحانی نمی‌تواند به شکل کامل و خالص در راه تبلیغ قدم بردارد، البته که این گزاره مطلق نیست اما باید در نظر داشت که مسئله معیشت، فشارهای سنگین و طاقت فرسایی را متوجه افراد می‌کند و چنین اتفاقی کاملاً معقول و منطقی است؛ جدای از آن، زمانی که یک روحانی برای معیشت و ارتزاق خود وابسته به مردم باشد همواره باید سعی کند محبوبیت و مقبولیت خود را میان مردم حفظ کند؛ شاید در نگاه اول چنین چیزی امری منفی به نظر نیاید اما با کمی فکر و تأمل بر روی این مسئله می‌توان دریافت که در چنین حالتی اگر مردم وارد یک فرایند انحرافی و کج‌روی شوند، آن روحانی به علت نبود محلی برای ارتزاق، مجبور است زبان در کام گیرد و برای ادامه زندگی و مدیریت معیشت خود سکوت کند.

دوم آنکه در حالتی دیگر وقتی یک روحانی وابسته به حوزه است و از حوزه ارتزاق می‌کند که آن هم به شکلی غیرمستقیم

ارتزاق از مردم حساب می‌شود، در حالاتی که متوجه یک امر نادرست و اشتباه در حوزه می‌شود توانایی و قدرت نقد را نخواهد داشت، از این رو اشکالاتی که وجود دارند به علت وابستگی طلاب به حوزه، صرفاً در خلوتگاه‌های طلاب و روحانیون مطرح می‌شود و قدمی برای حل آن برداشته نخواهد شد.

این چنین، درک این مسئله برای مخاطب آسان‌تر می‌شود که چگونه بزرگ‌مردانی مانند شهید بهشتی و شهید مطهری با قدرتی مضاعف، به نقد ساختارهای سیاسی و اجتماعی می‌پرداختند، قدرتی که عملاً در عدم وابستگی و استقلال آنان ریشه داشت. شهید بهشتی طی دوران تحصیل در حوزه به شهریه‌های پرداختی از سوی مراجع وابسته نبود و با تدریس زبان انگلیسی در دبیرستان‌های قم امرار معاش می‌کرد. پس از آن هم به استخدام آموزش و پرورش درآمد و تا پایان عمر از حقوق بازنشستگی آن استفاده می‌کرد. این استقلال مالی و عدم وابستگی و ارتزاق از وجوهات شرعی، موقعیتی ممتاز به ایشان می‌بخشید تا برای مثال، در زمینه بازنگاری در نهادهای سنتی و اصلاح اندیشه دینی در قید ملاحظات رایج روحانیت نباشد. (همان)

### ۳. تحول خواهی در ارتباط حوزه با مردم

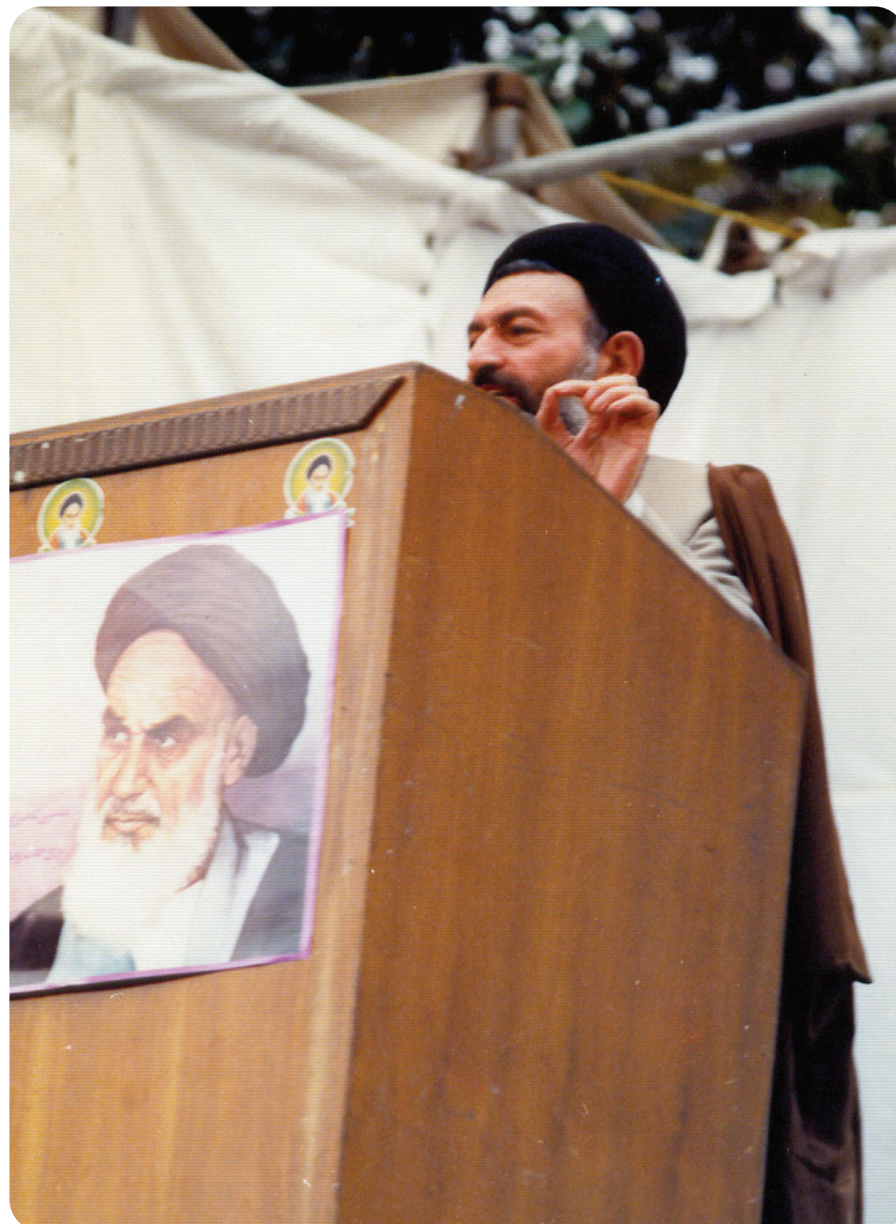
آخرین مسئله مورد بحث در این یادداشت مرتبط به مسئله فاصله میان روحانیت و عامه مردم می‌باشد. متأسفانه این معضل، امروزه تا حد بسیاری گریبان‌گیر حوزه‌ها است و ما شاهد هستیم که گاهی برخی از طلاب در جهانی دیگر زیست می‌کنند و با ادبیاتی دیگر می‌اندیشند و جوانی معمولی در جامعه و جوانی دانشجو در جهانی دیگر و با ادبیاتی دیگر در حال زندگی است. اگر روحانی در متن جامعه زندگی می‌کند و با وجدان جامعه ارتباط

دارد برای این است که به راستی با مردم زیست می‌کند. (حسینی بهشتی، ۱۳۹۷: ۳۰۰)

فاصله‌ای که رفته رفته منجر به عدم درک زمانه توسط روحانیون خواهد شد و آنان را از مردم جدا خواهد کرد؛ اگر بخواهیم دلایلی را که چرا شهید بهشتی و افرادی مانند امام موسی صدر و یا شهید مطهری دچار این فاصله نشدند را بیان کنیم، می‌توان مواردی را مانند آگاهی نسبت به زمانه و آشنایی با علوم روز و تحصیل، ارتباط و تعامل با دانشگاه، ارتباط بی‌واسطه و مستقیم با مردم، حضور در عرصه‌های اجتماعی مختلف و عدم فاصله‌گیری از سبک زندگی روزمره عام، نزدیک کردن ادبیات تشریحی و کلامی به هنگام ارتباط با عموم مردم بیان کنیم و در دیدی جامع‌تر، نوع برداشت آنان را از میان مردم بودن، در نظر بگیریم؛ به نحوی که شهید بهشتی زندگی با مردم را کمال روحانی می‌داند. (همان)

در اهمیت نبود این فاصله و خلأ بین روحانیت و مردم، همین امر بس که مردم غریبگی و دوری از روحانیت را حس کنند و به چشم افرادی به دور از زندگی روزمره خویش به آنان بنگرند؛ وضعیتی که کمابیش هم‌اکنون نیز حس می‌شود آن است که روحانیون و طلاب متوجه عینیت‌های مشخص و معلوم جامعه نمی‌شوند و در نتیجه، جریان‌شناسی درستی صورت نمی‌گیرد تا بخواهند اقدامی در راستای آن در برابر حوادث مختلف اجتماعی، سیاسی و فرهنگی مرتبط با مردم انجام دهند، این چنین، با گذشت زمان از مردم فاصله خواهند گرفت و در دو دنیای متفاوت زیست خواهند کرد و هم به علت همین دوری، توانایی تأثیرگذاری و مقاومت در برابر حوادث را از دست خواهند داد؛ زیرا حتی اگر بخواهند در آن زمان در برابر یک

بنیاد نشر آثار و اندیشه‌های آیت‌الله تهران: بقعه.  
 دکتر بهشتی (۱۳۸۰)، بازشناسی یک قاسمی، صدیقه (۱۳۹۵)، شناخت  
 اندیشه، تهران: بقعه.  
 حسینی بهشتی، سیدمحمد (۱۳۹۷)، ولایت، سیدمحمد حسینی بهشتی، تهران: روزنه.  
 رهبری، روحانیت، تهران: روزنه.  
 حسینی بهشتی، سید محمد (۱۳۹۵)، روحانیت در اسلام و در میان مسلمانان، تهران: روزنه.  
 حسینی بهشتی، سید محمد (۱۳۹۰)، دکتر شریعتی جستجوگری در مسیر شدن، تهران: روزنه.  
 مهدوی، رحمت (۱۳۹۵)، آزادی مترقی در اندیشه شهید بهشتی، چاپ اول، تهران: نهادگرا.



مسئله اجتماعی واکنشی نشان بدهند به علت نبود شناخت، نسبت به آن مسئله از دید ملت و عوام یا آن واکنش در همان ابتدا سرنگون خواهد شد و یا به علت دوری دیدگاه‌ها و نبود تعامل میان حوزه و جامعه، شاهد واکنش و بازخوردی منفی از سمت مردم، جامعه و اذهان عمومی خواهند بود.

### جمع بندی

برای برون‌رفت از چالش‌های پیش‌رو، حوزه‌های علمیه باید بکوشند که طلاب را با علوم جدید و کلاسیک آشنا کنند، سیستم مالی و اقتصادی را برای ارتزاق طلاب خود فارغ از وابستگی به حوزه و مردم با آموزش یک حرفه و کار طراحی کنند، طلاب را در برابر انتقادات و آرا جدید منعطف و منطقی پرورند و آنان را از هرگونه افراط و تفریط نفی کرده و به معنی واقعی کلمه با مردم زندگی و معاشرت کنند و در آخر فقهایی مسلط به یک تخصص روز پرورش دهد تا آنان بتوانند احکامی دقیق، اصولی و با تسلط صادر کنند، حوزه‌ای بسیار شگفت‌انگیز و دلنشین خواهد بود؛ حوزه‌ای که در ساختار نظام جمهوری اسلامی دارای تأثیری عمیق، بزرگ و برجسته است و با ارتقاء خروجی‌های آن می‌توان شاهد ارتقاء خروجی در بسیاری از دیگر ارکان و عرصه‌های جامعه بود؛ در آخر امیدوارم بازخوانی اندیشه و آرا شهید عالی‌قدر و دانشمند، آیت‌الله دکتر بهشتی (ره) مورد توجه قرار گیرد و رفته رفته شاهد پیشرفت هرچه بهتر میهن عزیز اسلامی مان باشیم.

### کتاب‌نامه

بنیاد نشر آثار و اندیشه‌های آیت‌الله دکتر بهشتی (۱۳۹۵)، نگاهی دوباره: بازخوانی اندیشه‌های قرآنی شهید آیت‌الله دکتر بهشتی، قم: دانشگاه مفید.